



بقیع

بقیع، کهن‌ترین و مشهورترین گورستان دوره اسلامی در شهر **مدینه** که به «بقیع العَرَقَد» یا به ویژه در زمان متأخر به «جَنَّة البقیع» نیز شهرت داشته است. و متبرک به وجود قبور مطهر **انمه** علیهم السلام گردیده است. از آن به مناسبت در باب **حج** سخن رفته است.

فهرست مندرجات

- ۱ - وجه تسمیه
- ۲ - پیشینه
- ۳ - موقعیت جغرافیایی
- ۴ - نخستین مدفون
- ۵ - مشهورترین مدفون
- ۶ - اوصاف
- ۷ - رویدادهای تاریخی
- ۸ - جنایت و هابیت
- ۸.۱ - عکس العمل مردم ایران
- ۸.۲ - ملاقات منتخب النوله و عبدالعزیز
- ۹ - تألیف صورت گرفته
- ۱۰ - فضیلت
- ۱۱ - فهرست منابع
- ۱۲ - پانویس
- ۱۳ - منابع

وجه تسمیه

بقیع را از آنرو «بقیع العرقَد» نامیده اند که نوعی درخت خاردار در آنجا می روید و نامش «عرقَد» بوده است.
[۱] ابن منظور، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۴۶۲.
[۲] القاموس المحيط، ج ۳، ص ۱۱.
سپس آن درخت از میان رفت، اما نامش ماندگار شد. برخی نیز گفته اند: بقیع عرقَد، نام زمینی است که نوعی درخت بلند **توت** آن را پوشانده باشد.

پیشینه

با توجه به اقوال لغت شناسان در توضیح «بقیع العرقَد»، چنین به نظر می‌رسد که محل گورستان بقیع، در دوره پیش از **اسلام** خارستانی در اطراف شهر **یثرب** یا مدینه بعدی بوده است.
[۳] ابوعبید بکری، عبدالله، معجم الاستعجم، ج ۱، ص ۶۵، به کوشش مصطفی سقا، قاهره، ۳۶۴/ق ۹۴۵ م.
[۴] یاقوت، بلدان، ج ۱، ص ۳۰.
[۵] واقدی، محمد، المغازی، ج ۱، ص ۹۰ و ۶۲، به کوشش مارسدن جونز، لندن، ۹۶۶ م.
[۶] ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۰، بیروت، دار صادر.
این بقیع غیر از مواضع دیگری در مدینه، چون بقیع زبیر و بقیع الخیل
[۷] حازمی، محمد، الاماکن، ج ۱، ص ۳۳، به کوشش حمد جاسر، حجاز، ۴۱۵ ق.
[۸] یاقوت، بلدان، ج ۱، ص ۴۰.
بوده است.
در روایت افسانه مانند ایام العرب ه م پیش از اسلام، از «یوم البقیع» به عنوان یکی از جنگ‌های **اوس و خزرج** ه م نام برده شده است و در اشعار منسوب به این روز از آن یاد کرده‌اند
[۹] یاقوت، بلدان، ج ۱، ص ۳۰.
[۱۰] ابن اثیر، الکامل، ج ۱، ص ۷۳.

[۱۱] نجفی، محمدباقر، مدینه شناسی، ج ۱، ص ۲۰، کلن، ۳۶۴ ش.

[۱۲] هاجری، یوسف، ج ۱، ص ۳، البقیع، بیروت، ۴۱۱/ق ۹۹۱ م.

پس از مرگ **عثمان بن مظعون** در ق/۲۴م، **پیامبر اکرم** (ص) که گویا در جست و جوی جای خاصی برای دفن پیکر اصحاب خویش بودند، ناحیه بقیع را پسندیدند. پیشینه قبرستان بقیع به دوران قبل از اسلام میرسد، لیکن در اسناد به روشنی مشخص نیست که قدمت آن به چه تاریخی مربوط است و از چه زمان مردمان **مدینه** جنازه درگشتگان خود را در این گورستان به خاک می سپرده اند. منابع تاریخی گواهی میدهد که پیش از **هجرت**، مردم مدینه اجساد مرگن خود را در دو گورستان «**بنی حرام**» و «**بنی سالم**» و گاهی نیز در منازل خود **دفن** میکردند.

[۱۳] نجمی، محمد صلوق، تاریخ حرم ائمه بقیع، مشعر، ص ۶۱.

لیکن با هجرت **مسلمانان** به مدینه، بقیع تنها قبرستان مسلمانان گردید و به مرور زمان و با دفن اجساد تعداد زیادی از **صحابه** و **تابعین** و نیز همسران و دختران و فرزندان و **اهل بیت** رسول الله صلوات الله علیه از اهمیت ویژه ای برخوردار شد.

[۱۴] نجفی، سید محمد باقر، مدینه شناسی، ج ۱، ص ۳۲۱، مشعر، ۱۳۸۶،

و گورستانهای پیشین، رفته رفته به حالت متروکه در آمد و از میان رفت.

بقیع تا یکصدسال پیش، دیوار و حصارى نداشت، اما اکنون بادیواری بلند محصور گشته و از گذشته تاکنون مسلمانان از هر **فرقه** و مذهبی، پس از **زیارت** پیامبر خدا صلوات الله علیه به اینجا آمده، اهلیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دیگر آرمیدگان در این گورستان راز یارت می کنند.

موقعیت جغرافیایی

گورستان بقیع در شرق مدینه و به فاصله اندکی از مزار حضرت رسول (ص) واقع شده، و در روزگاران دور، خارج از حصار قدیم مدینه که اکنون تقریباً از میان رفته، قرار داشته است و مساحت آن در حال حاضر به ۸۰ هزار م می رسد.

[۱۵] هاجری، یوسف، البقیع، ص ۶-۷، بیروت، ۴۱۱/ق ۹۹۱ م.

نخستین مدفون

نخستین کسی که در بقیع دفن شد، عثمان بن مظعون بود

[۱۶] ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۴۱، بیروت، دارصادر.

[۱۷] ابن سعد، محمد، ج ۱، ص ۹۷، الطبقات الكبرى، بیروت، دارصادر.

[۱۸] ابن قتیبه، محمد، المعارف، ج ۱، ص ۲۲، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، ۹۶۰ م.

گر چه در این باره میان **مهاجران** و **انصار** اختلاف نظر وجود داشت و به ویژه انصار از **اسعد بن زراره** ه م به عنوان نخستین مدفون بقیع نام می بردند.

[۱۹] ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۲، بیروت، دارصادر.

[۲۰] ابن شیه، عمر، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۶، به کوشش فهیم محمد شلتوت، قم، ۴۱۰/ق ۹۹۰ م.

مشهورترین مدفون

مشهورترین مدفون بقیع در عهد رسول اکرم (ص)، ابراهیم فرزند خردسال آن حضرت بود

[۲۱] ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۴۱، بیروت، دارصادر.

پیامبر (ص) در اواخر عمر شریف نیز چنانکه خود به تصریح فرمودند، به امر پروردگار برای طلب غفران و بخشایش الهی برای اموات بقیع، به آنجا رفتند

[۲۲] ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳۰-۵۰، بیروت، دارصادر.

[۲۳] بلانری، احمد، جمل من انسلب الاشراف، ج ۱، ص ۱۳-۱۴، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکی، بیروت، ۹۹۶ م.

[۲۴] ابن شیه، عمر، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۶-۱، به کوشش فهیم محمد شلتوت، قم، ۴۱۰/ق ۹۹۰ م.

[۲۵] شیخ مفید، محمد، الارشاد، ج ۱، ص ۸۱، قم، ۴۱۳ ق.

پس از وفات پیامبر (ص)، برخی از اصحاب، به دفن پیکر آن حضرت در گورستان بقیع نظر داشتند.

[۲۶] ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۹۲، بیروت، دارصادر.

[۲۷] شیخ مفید، محمد، المقنعة، ص ۵۷، قم، ۴۱۰ ق.

این گورستان در طول سال های بعد مدفن بسیاری از نام آوران از اصحاب و دیگر **مسلمانان** بود، از آن جمله **ابن مسعود** ه م، **صهیب رومی**، **مقداد بن اسود** و **سعد بن ابی وقاص**

[۲۸] ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۶۰، بیروت، دارصادر.

[۲۹] ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۶۳، بیروت، دارصادر.

[۳۰] ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳۰، بیروت، دارصادر.

[۳۱] ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳، بیروت، دارصادر.

را می توان نام برد.

برخی از **همسران رسول خدا** (ص) همچون **ام سلمه**، **صفیه**، **حفصه** و **عایشه** نیز در همانجا به **خاک** سپرده شدند

[۳۲] ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۷، بیروت، دارصادر.

[۳۳] ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۶، بیروت، دارصادر.

[۳۴] ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۹، بیروت، دارصادر.

حتی بنا بر برخی روایات، پیکر **حضرت فاطمه زهرا** (سلام الله علیها) در بقیع دفن شد

[۳۵] ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳۸، بیروت، دارصادر.

گر چه شماری از **علمای شیعه** این احتمال را بعید دانسته اند.

[۳۶] شیخ طوسی، محمد، المبسوط، ص ۸۶، به کوشش محمد تقی کشفی، بیروت، ۴۱۲/ق ۹۹۲ م.

[۳۷] صاحب جواهر، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۱، ص ۶۰، به کوشش عباس قوچانی، تهران، ۳۹۲ ق.

[۳۸] مجلسی، محمدباقر، ج ۳، ص ۷۱، ج ۱، ص ۸۶، بحار الانوار، بیروت، ۱۳۸۳/۴۰۳م.

[۳۹] شیخ مفید، محمد، المزار، ج ۱، ص ۷۸، به کوشش محمدباقر ابطی، قم، ۱۳۹۰ق.

[۴۰] نجمی، محمد صادق، ج ۱، ص ۲، «تاریخ حرم ائمه بقیع»، میقت حج، ۳۷۳ش، س، شم.

گورستان بقیع همچنان به سبب دفن پیکر ۴ تن از ائمه، **امام حسن مجتبی**

[۴۱] دینوری، احمد، الاخبار الطوال، ج ۱، ص ۲۱، به کوشش عبدالمنعم عمر، قاهره، ۱۳۵۹م.

[۴۲] یعقوبی، احمد، تاریخ، ج ۱، ص ۶۷، به کوشش هوتسما، لینن، ۱۳۶۹م.

[۴۳] شیخ مفید، محمد، الارشاد، ج ۱، ص ۹، قم، ۱۳۱۳ق.

امام سجاد

[۴۴] ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۱، بیروت، دارصادر.

[۴۵] ابن قتیبه، محمد، المعارف، ج ۱، ص ۱۵، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، ۱۳۶۰م.

امام باقر

[۴۶] شیخ مفید، محمد، الارشاد، ج ۱، ص ۵۸، قم، ۱۳۱۳ق.

و امام صادق

[۴۷] شیخ مفید، محمد، الارشاد، ج ۱، ص ۸۰، قم، ۱۳۱۳ق.

علیه السلام، نامبردار بوده و به همین سبب، بر استحباب زیارت بقیع تأکید بسیار شده است.

[۴۸] ابن براج، عبدالعزیز، المهذب، ج ۱، ص ۷۹-۸۰، قم، ۱۳۸۶/۴۰۶ق.

[۴۹] ابن قولویه، جعفر، ج ۱، ص ۳-۵، کامل الزیارات، به کوشش عبدالحسین امینی تبریزی، نجف، ۱۳۳۷/۳۵۶ق.

[۵۰] محقق حلّی، جعفر، شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۱۰، به کوشش صادق شیرازی، تهران، ۱۳۰۹ق.

[۵۱] حکیم، محسن، دلیل الناسک، ج ۱، ص ۶۲، تهران، ۱۳۸۹ق.

[۵۲] هاجری، یوسف، البقیع، ج ۱، ص ۵، بیروت، ۱۳۹۱/۴۱۱ق.

گوشه‌هایی از بقیع، به سبب دفن اعضای مشهور از یک خانواده، انک انک صورت مقبره اختصاصی یافت، مانند قطعه‌ای که مدفن امامان چهارگانه و **عیس بن عبدالمطلب** عموی پیامبر (ص) بود و ظاهراً مقبره **بنی‌هاشم** شمرده می‌شد

[۵۳] ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱، بیروت، دارصادر.

[۵۴] اخبار النولة العباسية، ج ۱، ص ۴، به کوشش عبدالعزیز دوری و عبدالجبار مطلبی، بیروت، ۱۳۷۱م.

یا مدفن **عثمان بن عفان** در بستان خش‌کوکب، در کنار بقیع که جزو این گورستان گردید و بعدها به صورت مقابر **بنی‌امیه** درآمد.

[۵۵] ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۷، بیروت، دارصادر.

[۵۶] بلانزی، احمد، جبل من انسلب الاشراف، ج ۱، ص ۵۰، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، ۱۳۹۶م.

[۵۷] سخاوی، محمد، التحفة اللطيفة، ج ۱، ص ۳-۱، به کوشش اسعد طرابزونی، ۱۳۹۹/۹۷۹ق.

[۵۸] هاجری، یوسف، البقیع، ص ۳، بیروت، ۱۳۹۱/۴۱۱ق.

اوصاف

به رغم شهرت سزاوار بقیع، آگاهی‌های ما از نشانه‌های ظاهری و تحولات این گورستان در طول تاریخ انک، و بسی پراکنده است.

یکی از کهن‌ترین توصیفات از اوضاع ظاهری مدفن مشاهیر در بقیع از آن **مسعودی** د ۱۳۶/۵۷۷م است که در کتب خویش خطوط منفور بر سنگ مزار ائمه را ثبت کرده است

[۵۹] مسعودی، علی، ج ۱، ص ۳۲-۳۳، مروج الذهب، به کوشش شارل پلا، بیروت، ۱۳۷۳م.

این اثر ضمن وقایع سال ۹۵ق از قتل معماری که مجدالملک قمی مق ۹۲/۱۰۹۹م وزیر برکیارق برای تعمیر و ترمیم قبه مزار ائمه و عیسی بن عبدالمطلب، به مدینه گسیل کرده بود، سخن به میان آورده است

[۶۰] ابن اثیر، الکامل، ج ۹، ص ۵۲.

بسیار محتمل است که این قبه را خلفای **بنی‌عیسی** برای بزرگداشت نیای خویش در تاریخی اینک نامعلوم، برپا کرده باشند.

ابن جبیر هم در اوایل سده ق قبه‌های موجود در بقیع را وصف کرده است.

[۶۱] ابن جبیر، محمد، رحله، ج ۱، ص ۷۳-۷۴، بیروت، ۱۳۸۴/۶۴۴ق.

وصف این قبه‌ها در سخن ابن نجار د ۴۳/۲۴۵م و پس از او، ابن بطوطه هم، در سده ق، نیز کمابیش با وضع مشابه آمده است.

[۶۲] ابن جبیر، محمد، رحله، ج ۱، ص ۴۳، بیروت، ۱۳۸۴/۶۴۴ق.

این گورستان به گفته **ابن نجار** دو در داشته که یک در برای رفت و آمد زوار همواره باز بوده است.

[۶۳] ابن نجار، محمد، الدرّة الثمينة، ص ۳۱-۳۴، به کوشش محمد زینم محمد عذب، قاهره، ۱۳۱۶/۹۹۵م.

اولیا چلیبی که در ۸۲/۶۷۱ق به **حج** رفته، قبه مقبره ائمه و عیسی را وصف کرده، و از تجدید بنای مزار همسران حضرت رسول (ص) به دست **سلطان سلیمان قانونی** در ۵۰ق، بنا بر کتیبه موجود در آنجا، سخن به میان آورده است.

[۶۴] اولیاچلیبی، الرحلة الحجازية، ترجمة احمد مرسي، ص ۴۹-۵۰، قاهره، ۱۳۹۹/۴۲۰ق.

رویدادهای تاریخی

در ۲۲۱/۸۰۶م که وهابیان بر مدینه دست یافتند، به بقیع هجوم بردند و کلیه قبه‌های موجود در آنجا را تخریب، و اموال و تزئینات را دستخوش غارت کردند

[۶۵] علی بن موسی، «وصف المدينة المنورة»، رسائل فی تاریخ المدينة المنورة، ص ۵-۶، به کوشش حمد جاسر، ریاض، دار الیمامه.

[۶۶] امین، محسن، کشف الارتباب، ص ۴-۵، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی.

[۶۷] هاجری، یوسف، البقیع، ص ۹، بیروت، ۱۳۹۱/۴۱۱ق.

اما پس از آنکه ابراهیم پاشا هم برای مقابله با وهابیان به حجاز لشکر کشید و ایشان را به سختی شکست داد، به امر سلطان محمود عثمانی، بار دیگر قبه‌های بقیع را تجدید بنا کرد [۴۸] علی بن موسی، «وصف المدينة المنورة»، رسائل فی تاریخ المدینة المنورة، ص ۵-۶، به کوشش حمد جاسر، ریاض، دار الیمامه.

[۴۹] امین، محسن، کشف الارتیب، ص ۵، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی.

[۵۰] معصوم علیشاه، محمد معصوم، سفرنامه، ص ۲۷، تهران، ۳۶۲ ش.

برخی از رجال و دولتمردان ایرانی که در اواخر سده ۳ق به حج رفته‌اند، در سفرنامه‌های خود، وصفی از اوضاع آن دوره بقیع به دست داده‌اند.

[۵۱] فرهاد میرزا قاجار، سفرنامه، ص ۷۰، به کوشش اسماعیل نواب صفا، تهران، ۳۶۶ ش.

[۵۲] حسام السلطنه، سلطان مراد، سفرنامه مکه، ص ۵۱-۵۲، به کوشش رسول جعفریان، قم، ۳۷۴ ش.

[۵۳] هدایت، مهدقلی، سفرنامه، تهران، مطبعه مجلس.

تسلط مجدد وهابی‌ها در ۳۴۳ق/۹۲۴م بر حجاز، تهاجم دیگری را از سوی آن‌ها بر گورستان بقیع در پی داشت.

[۵۴] هاجری، یوسف، البقیع، ص ۷۰، بیروت، ۴۱۱ق/۹۹۱م.

خبر این ویرانی و هتک حرمت از مقابر ائمه و دیگر نام‌آوران تاریخ صدر اسلام، در ایران و برخی کشورهای اسلامی موجی از نگرانی و نفرت پدید آورد.

[۵۵] امین، محسن، کشف الارتیب، ص ۵، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی.

به ویژه در ایران موضوع منکور در مجلس شورای ملی مطرح شد

[۵۶] هاجری، یوسف، البقیع، ص ۴۷، بیروت، ۴۱۱ق/۹۹۱م.

و سپس هیاتی رسمی برای تحقیق در این موضوع، در ۳۰۴ ش به حجاز رفت.

[۵۷] محقق، علی، «بررسی تطبیقی شکل‌گیری دو نظام جدید»، ص ۶-۷، «اسناد روابط ایران» هم.

[۵۸] اسناد روابط ایران و عربستان سعودی ۳۰۴-۳۵۷ ش، ۶، صبه کوشش علی محقق، تهران، ۳۷۹ ش.

در طول سالیان بعد نیز علما و رجال سیاسی ایران از پی‌گیری موضوع تجدید بنای گورستان بقیع چنان‌که شایسته آن است، باز نایستاده‌اند.

[۵۹] اسناد روابط ایران و عربستان سعودی ۳۰۴-۳۵۷ ش، ص ۴۹، به کوشش علی محقق، تهران، ۳۷۹ ش.

[۶۰] امین، محسن، کشف الارتیب، ص ۵۷، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی.

[۶۱] سبحانی، جعفر، الوهابیة فی المیزان، ص ۲، قم، ۴۰۷ ق.

جنایت و هابیت

پس از تسلط سعودیان بر حجاز، با توجه به پیوند فکری و مذهبی آنان با محمد بن عبدالوهاب، در هر شهر و منطقه ای که وارد میشدند، آثار و ابنیه ساخته شده بر روی قبور بزرگان صدر اسلام را خراب و ویران میکردند. وهابیان، بار نخست در سال ۱۲۲۱ ه.ق. بخشی از بناهای قبرستان بقیع را ویران نموده و سپس با تکمیل سلطه خود بر حجاز در شوال سال ۱۳۴۴ ه.ق. کلیه این بناها و گنبدها و آثار را ویران و اموال و اشیای گران قیمت موجود در این اماکن را به تاراج بردند و نه تنها در مدینه، بلکه در هرجا گنبد و بارگاه و زیارتگاهی بود، به ویرانی آن اقدام کردند.

وهابیان در هیچ یک از اعمال خود و در ویران کردن گنبدها و ضریح‌ها، حتی گنبد مرقد حضرت رسول صلوات الله علیه منتظر نظر مردم نبودند و این اعمال، از پایه‌های مذهب آنان است. شاهد سخن آنکه، آنان همه گنبدها و زیارتگاه‌ها را در مدینه و اطراف آن ویران کردند و حتی گنبد مضلع ائمه اهل بیت (علیهم السلام) را در بقیع، که قبر عیسی عموی پیامبر صلوات الله علیه نیز در کنار آن‌ها بود، خراب نمودند و دیوارها و صندوق‌ها و ضریح‌هایی که روی قبرهای شریف قرار داشت، همه را از بین بردند، در حالی که برای آن، هزار ریال مجیدی هزینه کرده بودند. در کتب تاریخ حرم ائمه بقیع این چنین نقل شده: ... این اقدام دقیقاً در هشتم شوال ۱۳۴۴ ه.ق. انجام گرفت و به کارگرانی که این عمل ننگین را انجام دادند مبلغ هزار ریال مجیدی دست مزد پرداخت گردید. آن‌ها در این زیارتگاه‌ها، جز تلی سنگ و خاک، به عنوان علامت باقی نگذاشتند.

آنان هیچ قبر و ضریحی را استثنا نکرده اند، بلکه قبر پیامبر صلوات الله علیه از آن جهت که بیشتر مورد احترام و علاقه مردم است، از دیدگاه آن‌ها و از نظر دلایل وهابیان، جهت تخریب دارای اولویت است و اگر از این نظر خاطرشان جمع بود، حتماً قبر پیامبر صلوات الله علیه را نیز ویران میکردند! بلکه پیش از مزارهای دیگر، به تخریب آن اقدام می کردند.

[۸۲] امین، سید محسن، کشف الارتیب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب، کشف الارتیب، ص ۵۵، دارالکتب اسلامی.

← عکس العمل مردم ایران

با انتشار خبر تخریب ابنیه بقیع، به خصوص آثار قبور پیشوایان معصوم مدفون در آن قبرستان، افکار عمومی در ایران به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و شیعیان از خود واکنش‌های شدیدی نشان دادند به گونه ای که رییس الوزرای وقت، مجبور شد روز شانزدهم صفر را عزای عمومی اعلام کند.

روز شنبه شانزدهم صفر (۱۵ شهریور)، تعطیل عمومی شد و از طرف دسته جات مختلف تهران، مراسم سوگواری و عزاداری به عمل آمد و عصر همین روز نیز یک اجتماع چندین ده هزار نفری، در خارج دروازه دولت تشکیل گردید و در آنجا خطبا و ناطقین، نطق‌های مهیجی ایراد کرده و نسبت به قضایای مدینه و اهانتی که از طرف وهابی‌ها به گنبد مطهر حضرت رسول صلوات الله علیه به عمل آمده بود، اظهار انزجار و تنفر شد.

[۸۳] مکی، حسین، مدرس قهرمان آزادی، ج ۲، ص ۶۸۲، بنگاه ترجمه و نشر کتب،

← ملاقت منتخب الدوله و عبدالعزیز

در آستانه سقوط حکومت هاشمی در حجاز، در تاریخ شانزدهم تیرماه ۱۳۰۳ ه.ق. منتخب الدوله به سمت سرپرست اتباع و حجاج ایرانی منصوب و وارد مکه گردید، لیکن پس از روی کار آمدن عبدالعزیز و انتشار اخباری مبنی بر تخریب اماکن مقدس دو شهر مکه و مدینه و نگرانی‌هایی که در کشورهای اسلامی به خصوص ایران به وجود آمد و از آنجا که هنوز حکومت سعودیان استقرار لازم را نداشت، عبدالعزیز این اخبار را تکذیب و از دولت های اسلامی می خواست تا نمایندگانی را برای پیگیری موضوع به حجاز اعزام دارند. ایران از جمله اولین کشورهای بود که هیاتی مرکب از غفارخان جلال السلطنه (وزیر مختار ایران در مصر) و حبیب الله خان هویدا به حجاز اعزام کرد و این هیئت در تاریخ

۲۴/۶/۱۳۰۴ ه.ق. وارد جده گردید.

[۸۴] محقق، علی، اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۲۶، تهران، مرکز اسناد و خدمت دیپلماسی.

در مجامیع حدیثی هم فضائل منسوب به بقیع به تفصیل آمده است

[۸۵] مراغی، ابوبکر، تحقیق النصره، ج ۱، ص ۲۵، به کوشش محمد عبدالجواد اصمعی، بیروت، ۴۰۱/ق/۹۸۱م.

[۸۶] فاسی، محمد، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۰، بیروت، دارالکتب العلمیه.

[۸۷] سمهودی، علی، وفاء الوفا، ج ۱، ص ۸۸-۸۹، به کوشش محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، ۴۰۴/ق/۹۸۴م.

همچنین درباره بقیع پارهای آثار اختصاصی نگارش یافته که از آن جمله است: البقیع قصه تتمریر آل سعود للإثار الاسلامیه، نوشته یوسف هلجری بیروت، ۴۱۱/ق/۹۹۰م؛ قبور ائمه البقیع قبل تهدیمها، اثر عبدالحسین حیدری موسوی بیروت، ۴۲۰/ق/۹۹۹م، و البقیع الغرقد، از محمد حسینی شیرازی بیروت، ۴۲۰/ق/۹۹۹م.

فضیلت

زیارت امامان مدفون در بقیع (امام حسن مجتبی، امام زین العابدین، امام محمد باقر و امام جعفر صادق (علیهم السّلام) به طور خاص و نیز دیگر مدفونان در آن، مانند ملحد امیر المؤمنین علیه السّلام، فرزندان، زنان و صحابه گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مستحب است.

[۸۸] جواهر الکلام ج ۲۰، ص ۸۷-۸۸.

[۸۹] جواهر الکلام ج ۲۰، ص ۱۱۰.

[۹۰] مهذب الاحکام ج ۱۵، ص ۵۸-۶۱.

فهرست منابع

- (۱) ابن اثیر، الکامل.
- (۲) ابن براج، عبدالعزیز، المهذب، قم، ۴۰۶/ق/۹۸۶م.
- (۳) ابن بطوطه، رحله، به کوشش علی منتصر کتانی، بیروت، ۴۰۵/ق/۹۸۵م.
- (۴) ابن جبیر، محمد، رحله، بیروت، ۳۸۴/ق/۹۶۴م.
- (۵) ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دارصادر.
- (۶) ابن شیهه، عمر، تاریخ المدینة المنورة، به کوشش فهیم محمد شلتوت، قم، ۴۱۰/ق/۹۹۰م.
- (۷) ابن قتیبه، محمد، المعارف، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، ۹۶۰م.
- (۸) ابن قولویه، جعفر، کامل الزیارات، به کوشش عبدالحسین امینی تبریزی، نجف، ۳۵۶/ق/۹۳۷م.
- (۹) ابن نجار، محمد، الدرّة الثمینیة، به کوشش محمد زینهم محمد عزب، قاهره، ۴۱۶/ق/۹۹۵م.
- (۱۰) ابو عبید بکری، عبدالله، معجمها استعجم، به کوشش مصطفی سقا، قاهره، ۳۶۴/ق/۹۴۵م.
- (۱۱) اخبار الدولة العباسیة، به کوشش عبدالعزیز دوری و عبدالجبار مطلی، بیروت، ۹۷۱م.
- (۱۲) اسناد روابط ایران و عربستان سعودی ۳۰۴-۳۵۷ش، به کوشش علی محقق، تهران، ۳۷۹ش.
- (۱۳) امین، محسن، کشف الارتیاب، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی.
- (۱۴) اولیاجلی، الرحله الحجازیة، ترجمة احمد مرسی، قاهره، ۴۲۰/ق/۹۹۹م.
- (۱۵) «البقیع»، نک: مل، اماره.
- (۱۶) بلاذری، احمد، جمل من انساب الاشراف، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، ۹۹۶م.
- (۱۷) حازمی، محمد، الاماکن، به کوشش حمد جاسر، حجاز، ۴۱۵ق.
- (۱۸) حسام السلطنه، سلطان مراد، سفرنامه مکه، به کوشش رسول جعفریان، قم، ۳۷۴ش.
- (۱۹) حکیم، محسن، دلیل الناسک، تهران، ۳۸۹ق.
- (۲۰) دینوری، احمد، الاخبار الطوال، به کوشش عبدالمنعم عامر، قاهره، ۹۵۹م.
- (۲۱) سبحانی، جعفر، الوهابیة فی المیزان، قم، ۴۰۷ق.
- (۲۲) سخاوی، محمد، التحفة اللطیفة، به کوشش اسعد طرابزونی، ۳۹۹/ق/۹۷۹م.
- (۲۳) سمهودی، علی، وفاء الوفا، به کوشش محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، ۴۰۴/ق/۹۸۴م.
- (۲۴) شیخ طوسی، محمد، المبسوط، به کوشش محمد تقی کتفی، بیروت، ۴۱۲/ق/۹۹۲م.
- (۲۵) شیخ مفید، محمد، الارشاد، قم، ۴۱۳ق.
- (۲۶) شیخ مفید، المزار، به کوشش محمدباقر ابطحی، قم، ۴۰۹ق.
- (۲۷) شیخ مفید، المققعة، قم، ۴۱۰ق.
- (۲۸) صاحب جواهر، محمد حسن، جواهر الکلام، به کوشش عیلس قوچانی، تهران، ۳۹۲ق.
- (۲۸) علی بن موسی، «وصف المدینة المنورة»، رسائل فی تاریخ المدینة المنورة، به کوشش حمد جاسر، ریاض، دارالیمامه.
- (۳۰) فاسی، محمد، شفاء الغرام، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- (۳۱) فرهاد میرزا قلجگار، سفرنامه، به کوشش اسماعیل نواب صفا، تهران، ۳۶۶ش.
- (۳۲) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، ۴۰۳/ق/۹۸۳م.
- (۳۳) محقق، علی، «بررسی تطبیقی شکلگیری دو نظام جدید»، «اسناد روابط ایران» هم.
- (۳۴) محقق حلّی، جعفر، شرایع الاسلام، به کوشش صادق شیرازی، تهران، ۴۰۹ق.
- (۳۵) «مذاکرات مجلس شورای ملی»، اطلاعات، ۱ شهریور ۳۰۵ش، س، شم ۵.
- (۳۶) مراغی، ابوبکر، تحقیق النصره، به کوشش محمد عبدالجواد اصمعی، بیروت، ۴۰۱/ق/۹۸۱م.
- (۳۷) مسعودی، علی، مروج الذهب، به کوشش شارل پلا، بیروت، ۹۷۳م.
- (۳۸) معصوم علیشاه، محمد معصوم، سفرنامه، تهران، ۳۶۲ش.
- (۳۹) نجفی، محمدباقر، مدینه شناسی، کلن، ۳۶۴ش.
- (۴۰) نجمی، محمد صادق، «تاریخ حرم ائمه بقیع»، میقتل حج، ۳۷۳ش، س، شم.

- (٤١) واقدي، محمد، المغازي، به كوشش مارسدن جونز، لندن، ١٩٦٦م.
(٤٢) هاجري، يوسف، البقيع، بيروت، ١٩٩١ق/١١.
(٤٣) هدايت، مهديقلي، سفرنامه، تهران، مطبعه مجلس.
(٤٤) ياقوت، بلدان.
(٤٥) يعقوبي، احمد، تاريخ، به كوشش هوتسما، ليدن، ١٩٦٩م.

پاڻويس

١. ↑ ابن منظور، لسان العرب، دار احياء التراث العربي، ج١، ص٤٦٢.
٢. ↑ القاموس المحيط، ج٣، ص١١.
٣. ↑ ابو عبيد بكري، عبدالله، معجمها استعجم، ج١، ص٦٥، به كوشش مصطفى سقا، قاهره، ١٩٤٥ق/٣٦٤م.
٤. ↑ ياقوت، بلدان، ج١، ص٣٠.
٥. ↑ واقدي، محمد، المغازي، ج١، ص٩٠ و٦٢، به كوشش مارسدن جونز، لندن، ١٩٦٦م.
٦. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج١، ص٤٠، بيروت، دارصادر.
٧. ↑ حازمي، محمد، الاماكن، ج١، ص٣٣، به كوشش حمد جاسر، حجاز، ١٩١٥ق.
٨. ↑ ياقوت، بلدان، ج١، ص٤٠.
٩. ↑ ياقوت، بلدان، ج١، ص٣٠.
١٠. ↑ ابن اثير، الكامل، ج١، ص٧٣.
١١. ↑ نجفي، محمدياقر، مدينه شناسي، ج١، ص٢٠، كلن، ١٣٦٤ش.
١٢. ↑ هاجري، يوسف، ج١، ص٣، البقيع، بيروت، ١٩٩١ق/١١م.
١٣. ↑ نجمي، محمد صادق، تاريخ حرم ائمه بقيع، مشعر، ص٦١.
١٤. ↑ نجفي، سيد محمد باقر، مدينه شناسي، ج١، ص٣٢١، مشعر، ١٣٨٦،
١٥. ↑ هاجري، يوسف، البقيع، ص٦-٧، بيروت، ١٩٩١ق/١١م.
١٦. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج١، ص٤١، بيروت، دارصادر.
١٧. ↑ ابن سعد، محمد، ج١، ص٩٧، الطبقات الكبرى، بيروت، دارصادر.
١٨. ↑ ابن قتيبي، محمد، المعارف، ج١، ص٢٢، به كوشش ثروت عكاشه، قاهره، ١٩٦٠م.
١٩. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج١، ص١٢، بيروت، دارصادر.
٢٠. ↑ ابن شهبه، عمر، تاريخ المدينه المنوره، ج١، ص٦، به كوشش فهيم محمد شلتوت، قم، ١٩٩٠ق/١٠م.
٢١. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج١، ص٤١، بيروت، دارصادر.
٢٢. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج١، ص٣٠-٥٠، بيروت، دارصادر.
٢٣. ↑ بلانزري، احمد، جمل من انسلب الاشراف، ج١، ص١٣-١٤، به كوشش سهيل زكار و رياض زركلي، بيروت، ١٩٩٦م.
٢٤. ↑ ابن شهبه، عمر، تاريخ المدينه المنوره، ج١، ص٦-١، به كوشش فهيم محمد شلتوت، قم، ١٩٩٠ق/١٠م.
٢٥. ↑ شيخ مفيد، محمد، الارشاد، ج١، ص٨١، قم، ١٤١٣ق.
٢٦. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج١، ص٩٢، بيروت، دارصادر.
٢٧. ↑ شيخ مفيد، محمد، المقنعه، ص٥٧، قم، ١٤١٠ق.
٢٨. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج١، ص٦٠، بيروت، دارصادر.
٢٩. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج١، ص٦٣، بيروت، دارصادر.
٣٠. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج١، ص٣٠، بيروت، دارصادر.
٣١. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج١، ص٣، بيروت، دارصادر.
٣٢. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج١، ص٧، بيروت، دارصادر.
٣٣. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج١، ص٦، بيروت، دارصادر.
٣٤. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج١، ص٢٩، بيروت، دارصادر.
٣٥. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج١، ص٣٨، بيروت، دارصادر.
٣٦. ↑ شيخ طوسي، محمد، المبسوط، ص٨٦، به كوشش محمد تقى كشفى، بيروت، ١٩٩٢ق/١٢م.
٣٧. ↑ صاحب جواهر، محمد حسن، جواهر الكلام، ج١، ص٦٠، به كوشش عباس قوچاني، تهران، ١٣٩٢ق.
٣٨. ↑ مجلسي، محمدياقر، ج٣، ص٧١، ج١، ص٨٦، بحار الانوار، بيروت، ١٩٨٣ق/٣٠٣م.
٣٩. ↑ شيخ مفيد، محمد، المزار، ج١، ص٧٨، به كوشش محمدياقر ابطحي، قم، ١٤٠٩ق.
٤٠. ↑ نجمي، محمد صادق، ج١، ص٢، «تاريخ حرم ائمه بقيع»، ميقلت حج، ١٣٧٣ش، س، شم.
٤١. ↑ دينوري، احمد، الاخبار الطوال، ج١، ص٢١، به كوشش عبدالمنعم عمر، قاهره، ١٩٥٩م.
٤٢. ↑ يعقوبي، احمد، تاريخ، ج١، ص٦٧، به كوشش هوتسما، ليدن، ١٩٦٩م.
٤٣. ↑ شيخ مفيد، محمد، الارشاد، ج١، ص٩، قم، ١٤١٣ق.
٤٤. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج١، ص٢١، بيروت، دارصادر.
٤٥. ↑ ابن قتيبي، محمد، المعارف، ج١، ص١٥، به كوشش ثروت عكاشه، قاهره، ١٩٦٠م.
٤٦. ↑ شيخ مفيد، محمد، الارشاد، ج١، ص٥٨، قم، ١٤١٣ق.
٤٧. ↑ شيخ مفيد، محمد، الارشاد، ج١، ص٨٠، قم، ١٤١٣ق.
٤٨. ↑ ابن براج، عبدالعزيز، المهذب، ج١، ص٧٩-٨٠، قم، ١٩٨٦ق/٣٠٦م.

۴۹. [↑](#) ابن قولویه، جعفر، ج ۱، ص ۳-۵، کامل الزیارات، به کوشش عبدالحسین امینی تبریزی، نجف، ۱۳۵۶/ق ۹۳۷م.
۵۰. [↑](#) محقق حلّی، جعفر، شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۱۰، به کوشش صلح شیرازی، تهران، ۱۴۰۹ق.
۵۱. [↑](#) حکیم، محسن، دلیل الناسک، ج ۱، ص ۶۲، تهران، ۱۳۸۹ق.
۵۲. [↑](#) هاجری، یوسف، البقیع، ج ۱، ص ۵، بیروت، ۱۴۱۱/ق ۹۹۱م.
۵۳. [↑](#) ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱، بیروت، دارصادر.
۵۴. [↑](#) اخبار الدولة العباسیة، ج ۱، ص ۴، به کوشش عبدالعزیز دوری و عبدالجبار مطلبی، بیروت، ۹۷۱م.
۵۵. [↑](#) ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۷، بیروت، دارصادر.
۵۶. [↑](#) بلاندری، احمد، جمل من انسلب الاشراف، ج ۱، ص ۵۰، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، ۹۹۶م.
۵۷. [↑](#) سخاوی، محمد، التحفة اللطیفة، ج ۱، ص ۱-۳، به کوشش اسعد طرايزونی، ۱۳۹۹/ق ۹۷۹م.
۵۸. [↑](#) هاجری، یوسف، البقیع، ص ۳، بیروت، ۱۴۱۱/ق ۹۹۱م.
۵۹. [↑](#) مسعودی، علی، ج ۱، ص ۳۲-۳۳، مروج الذهب، به کوشش شارل پلا، بیروت، ۹۷۳م.
۶۰. [↑](#) ابن اثیر، الکامل، ج ۹، ص ۵۲.
۶۱. [↑](#) ابن جبیر، محمد، رحله، ج ۱، ص ۷۳-۷۴، بیروت، ۱۳۸۴/ق ۹۶۴م.
۶۲. [↑](#) ابن جبیر، محمد، رحله، ج ۱، ص ۴۳، بیروت، ۱۳۸۴/ق ۹۶۴م.
۶۳. [↑](#) ابن نجار، محمد، الدرّة الثمینة، ص ۳۱-۳۴، به کوشش محمد زینهم محمد عزب، قاهره، ۱۴۱۶/ق ۹۹۵م.
۶۴. [↑](#) اولیالچلی، الرحله الحجازیة، ترجمة احمد مرسی، ص ۴۹-۵۰، قاهره، ۱۴۲۰/ق ۹۹۹م.
۶۵. [↑](#) علی بن موسی، «وصف المدينة المنورة»، رسائل فی تاریخ المدينة المنورة، ص ۵-۶، به کوشش حمد جاسر، ریاض، دار الیمامه.
۶۶. [↑](#) امین، محسن، کشف الارتیاب، ص ۵-۴، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی.
۶۷. [↑](#) هاجری، یوسف، البقیع، ص ۹، بیروت، ۱۴۱۱/ق ۹۹۱م.
۶۸. [↑](#) علی بن موسی، «وصف المدينة المنورة»، رسائل فی تاریخ المدينة المنورة، ص ۵-۶، به کوشش حمد جاسر، ریاض، دار الیمامه.
۶۹. [↑](#) امین، محسن، کشف الارتیاب، ص ۵، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی.
۷۰. [↑](#) معصوم علیشاه، محمد معصوم، سفرنامه، ص ۲۷، تهران، ۱۳۶۲ش.
۷۱. [↑](#) فرهاد میرزا قاجار، سفرنامه، ص ۷۰، به کوشش اسماعیل نواب صفا، تهران، ۱۳۶۶ش.
۷۲. [↑](#) حسام السلطنه، سلطان مراد، سفرنامه مکه، ص ۵۱-۵۲، به کوشش رسول جعفریان، قم، ۱۳۷۴ش.
۷۳. [↑](#) هدایت، مهدیقلی، سفرنامه، تهران، مطبوعه مجلس.
۷۴. [↑](#) هاجری، یوسف، البقیع، ص ۷۰، بیروت، ۱۴۱۱/ق ۹۹۱م.
۷۵. [↑](#) امین، محسن، کشف الارتیاب، ص ۵، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی.
۷۶. [↑](#) هاجری، یوسف، البقیع، ص ۴۷، بیروت، ۱۴۱۱/ق ۹۹۱م.
۷۷. [↑](#) محقق، علی، «بررسی تطبیقی شکلگیری دو نظام جدید»، ص ۶-۷، «اسناد روابط ایران» هم.
۷۸. [↑](#) اسناد روابط ایران و عربستان سعودی ۳۰۴-۳۵۷ش، ص ۶، صبه کوشش علی محقق، تهران، ۱۳۷۹ش.
۷۹. [↑](#) اسناد روابط ایران و عربستان سعودی ۳۰۴-۳۵۷ش، ص ۴۹، به کوشش علی محقق، تهران، ۱۳۷۹ش.
۸۰. [↑](#) امین، محسن، کشف الارتیاب، ص ۵۷، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی.
۸۱. [↑](#) سبحانی، جعفر، الوهابیة فی المیزان، ص ۳، قم، ۱۴۰۷ق.
۸۲. [↑](#) امین، سید محسن، کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب، کشف الارتیاب، ص ۵۵، دارالکتب اسلامی.
۸۳. [↑](#) مکی، حسین، مدرس قهرمان آزادی، ج ۲، ص ۶۸۲، بنگاه ترجمه و نشر کتب،
۸۴. [↑](#) محقق، علی، اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۲۶، تهران، مرکز اسناد خدمت دیپلماسی.
۸۵. [↑](#) مراغی، ابوبکر، تحقیق النصره، ج ۱، ص ۲۵، به کوشش محمد عبدالجواد اصمعی، بیروت، ۱۴۰۱/ق ۹۸۱م.
۸۶. [↑](#) فاسی، محمد، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۰، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۸۷. [↑](#) سمهودی، علی، وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۸۸-۸۹، به کوشش محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، ۱۴۰۴/ق ۹۸۴م.
۸۸. [↑](#) جواهر الکلام ج ۲۰، ص ۸۷-۸۸.
۸۹. [↑](#) جواهر الکلام ج ۲۰، ص ۱۱۰.
۹۰. [↑](#) مهذب الاحکام ج ۱۵، ص ۵۸-۶۱.

منابع

دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، برگرفته از مقاله «بقیع»، ج ۱۲، ص ۴۹۷۲. [سایت پژوه](#)
 فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۲، ص ۱۲۴.